

واکاوی متغیرهای ارزشی و محتوای اسلامی در معماری مسکن معاصر ایران

چکیده

مسکن به عنوان یکی از نیازها و هسته‌های اولیه اجتماعی، بازتاب شیوه تفکر و زندگی؛ سطح فرهنگ، شرایط اجتماعی و اقتصادی بشر در زمان‌های مختلف مورد توجه بوده است. اصلی‌ترین معضل بشر امروز، در زمینه‌های مختلف و به‌ویژه هنر و معماری بحران معنویت و قطع ارتباط با عالم بالاست. در ایران، ضرورت طرح این مسئله را می‌توان با ملاحظه وضع نابسامان کنونی معماری در ایران دریافت این وضعیت ناشی از تهاجم سبک‌های مختلف معماری جهان به کشور ما و درعین حال عدم درک صحیح از معماری و چگونه معماری کردن در بین طراحان ایرانی است. در این پژوهش، هدف اصلی بررسی برخی از اصول اساسی که اسلام برای جامعه مسلمانان و زندگی آن‌ها تنظیم کرده است تا با رسیدن به این شناخت بتوانیم چگونگی نمود آن ارزش‌های اجتماعی اسلام را در ساختار محیط‌هایی (مسکن) آدمی در آن‌ها زندگی می‌کند را به دست آورد. بنابراین سعی شده است با توجه به هدف اصلی از ابعاد گوناگون (اجتماعی، فرهنگی، عملکردی، روان‌شناختی، الگوسازی) مطالعات انجام شود. در راستای دستیابی به تبیین فرایند خلق معماری مسکن ایرانی براساس نظام معرفتی اسلام در دوران معاصر، در گام اول با روش تحقیقی توصیفی و تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی به کمک منابع درجه اول دینی (قرآن مجید)، به استخراج مفاهیم دینی و سپس تخصصی کردن مفاهیم، مطابق با مبانی نظری پژوهش پرداختیم. در مرحله بعد به ارزشیابی و اولویت‌بندی شاخص‌های ارائه شده و به نتیجه رسیدیم که آسایش و تفکیک فضاهای عمومی و خصوصی دارای اهمیت بالایی می‌باشد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی مسائل اصلی معماری مسکونی در ایران و ارتباط آن با ساحت معنوی و نظام ارزش‌های اسلامی.
۲. بررسی اثر نهادینه‌سازی ارزش‌های اسلامی (در طراحان و مخاطبان).

سوالات پژوهش:

۱. فقدان ساحت معنوی و نظام ارزشی چه تأثیری در معماری معاصر ایران داشته است؟
۲. آیا نهادینه‌سازی ارزش‌های اسلامی (در طراحان و مخاطبان) بر تجلی ارزش‌های معنوی کیفیت مطلوب از معماری مسکونی معاصر در ایران تأثیر دارد؟

کلیدواژه‌ها: مسکن معاصر، اسلام، ایران، محتوای اسلامی، نظام ارزش.

مقدمه

انسان معاصر در پی آن است تا با بهره‌مندی از علم و تکنولوژی مدرن بتواند مسیری متعادل‌تر در برخورداری از کیفیات مادی و معنوی به‌صورت همزمان داشته باشد. مسکن به‌عنوان یک محصول چند لایه و پیچیده، دربرگیرنده نقوش و وظایف متعددی است که ریشه آن‌ها را می‌توان در ساختارهای فکری، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی جستجو کرد (حجت، ۱۳۹۱). عدم وجود آرامش روحی و روانی در خانه‌های معاصر و مصرف منابع و انرژی فراوان برای تأمین حداقل آسایش فیزیکی در خانه‌های امروزی، باعث شده تا با وجود پیشرفت روزافزون در علوم و فنون و بالارفتن سطح علم و دانش، هنوز نتوانیم در خانه‌های خود احساس آرامش کرده طبعاً برای تشکیل اولین نهاد اجتماعی، یعنی خانواده نیز، محروم از ظرف فضایی مناسب و متناسب نام «خانه» باشیم. در پی دستیابی به فرایندی که ضمن تقویت ابعاد و پنهان خانه معاصر راه‌حلی متناسب و منطبق بر تعالیم و آموزه‌های اسلامی برای دستیابی به روح و اصالت خانه را ارائه دهد. آنچه به خانه روح و اصالت می‌بخشد، روحیات و حال و هوای داخل خانه است که فضای زیستن را به ساکنانش عرضه می‌دارد، نه پوسته و کالبد خانه که غالباً نیازهای تک‌بعدی بشر را دربرمی‌گیرد.

پدیدارشناسی به‌عنوان یک روش علمی می‌تواند مهر تأییدی بر دستیابی به جوهر خانه در نظام معرفتی اسلام باشد که در ابعاد پنهان خانه، مستتر است. معماری اسلامی مانند انواع دیگر معماری‌ها، با فرهنگ جامعه مرتبط است. برای درک معماری اسلامی شناخت شیوه‌های نگرشی اسلام به کلیت معماری و اجزایش ضروری است (امیری میجانی، ۱۴۰۰). در فلسفه دکارتی ما شاهد نگرش کمی به فضا هستیم که موجب فراموشی خاطرات کیفی می‌شود و این کیفیات بنیاد نگرش معنوی انسان به مکان هستند (بهزادی، ۱۴۰۰). فضا ارتباط مستقیمی با مبحث هستی دارد. لذا ابتدا باید نوع نگاه ما به هستی موضوع کار باشد تا پس از آن بست فضا و کیفیت آن مطرح گردد (رستمی، ۱۴۰۰). جامعه سنتی معاصر نیز بر پایه جهان‌بینی و ارزش‌های اسلامی و دینی شکل گرفته، حقایق بسیار گرانبهایی را در خود جای داده است که توجه به این حقایق و دوران کنونی برای ما و معماری آینده بسیار مفید و راه‌گشا می‌باشد. هدف کلی این پژوهش دستیابی به معماری مبتنی بر آموزه‌های اسلامی در مسکن معاصر ایرانی با واکاری در مفاهیم بنیادین اسلامی می‌باشد. در راستای این هدف به اهداف جزئی مانند ارائه مدل تحلیلی از مؤلفه‌های مؤثر بر فرایند خلق مسکن مطلوب اسلامی، اولویت‌بندی معیارها و زیرمعیارهای نظام ارزیابی معماری مسکونی معاصر ایران مبتنی بر باورهای اسلامی حاصل از پژوهش در معماری مسکونی موجود معاصر نیز دست پیدا می‌کنیم.

تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به‌رشته تحریر درنیامده است. این پژوهش بنیادی از نوع توصیفی و تحلیلی در گام نخست، برای گردآوری اطلاعات با تکیه بر روش اسنادی و کتابخانه‌ای مفاهیم پایه، مورد بررسی قرار داده و در بخش بعدی به توصیف و تحلیل یافته‌ها پرداخته است. پژوهش فعلی دارای رویکرد کیفی است و در مرحله اول مبانی نظری درخصوص ارزش‌های جاودان معنوی در اسلام مورد تحلیل قرار می‌گیرد. سپس به تحلیل عناصر و مؤلفه‌های مسکن معاصر بر مبنای نظام معرفتی با قواعد مستخرج از مبانی نظری یافته شده پرداخته خواهد شد. پژوهش حاضر از نوع ترکیبی است و پس از انجام مراحل کیفی پژوهش درخصوص مبانی فکری و محتوایی نتایج حاصل از آن می‌تواند به روش کمی در جامعه آماری متناسب به آزمون گذاشته شود. با توجه به سؤالات و اهداف رساله حاضر در مرحله اول پژوهش مفاهیم مرتبط با جهان‌بینی اسلامی، نظام معرفتی اسلام، سکونت و مسکن‌گزینی به روش کتابخانه جمع‌آوری

و تبیین شده در مرحله دوم بر اساس یافته‌ها مبنی بر این که دین مبین اسلام مکتبی اسلام‌ساز بوده و از هرگونه توصیه یا ارائه راهکار در امور مادی و دنیوی پرهیز کرده است، سعی شده تا با رویکردی پساساختارگرایانه و با بهره‌گیری از هرمونوتیک تفسیری نوعی ارتباط منطقی بین منابع دست اول اسلامی با روش‌های طراحی مسکن تبیین شود.

گام نخست: در این مرحله از پژوهش در راستای دستیابی به چهارچوب نظری پژوهش و ارائه مدل تحلیلی، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، آشنایی با مبانی جهان‌بینی و تعاریف مسکن و سکونت انجام یافته و در مرحله دوم، زمینه یا بستر طرح براساس وضع موجود تحلیل شده است. سپس به روش تحلیل محتوایی مفاهیم قرآنی از دیدگاه پدیدارشناسی و روان‌شناسی اجتماعی بررسی شده و نهایتاً یافته‌های تحقیق در قالب مدل نظری پژوهش ارائه گردیده است. گام دوم: در این گام، در ابتدا مواردی چون جهان‌بینی اسلام، اندیشه اسلامی، هویت اسلامی و نظریات اندیشمندان اسلامی و غربی در این حیطه مورد بررسی قرار گرفته است. سپس اصول و معیارهای معماری طراحی خانه‌های مسکونی معاصر بر اساس تجلی آموزه‌های قرآن، با مراجعه به متون دینی (قرآن)، کلمات و مفاهیم ذکر شده در قرآن استخراج و به روش کد گذاری دسته‌بندی شده و سپس با توجه به ادبیات معماری، پارامترها تخصصی شده و به معیارهای معماری تبدیل گشته‌اند.

گام سوم: در بخش تحلیل یافته‌های پژوهش که به واسطه روش تحقیق کمی صورت گرفته است، دو هدف مدنظر بوده است. ابتدا اولویت‌بندی معیارها و زیرمعیارهای پیشنهادی برای طراحی مسکن مطلوب براساس آموزه‌های قرآن، طبق نظر خبرگان و دوم، ارزیابی پنج نمونه از خانه‌های معاصر شهر ارومیه که براساس نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند. براساس این معیارها به جهت مشخص شدن میزان انطباق الگوهای مستخرج با وضعیت طراحی مساکن معاصر، در این مطالعه از تکنیک تحلیل سلسه‌مراتبی (AHP) استفاده گردیده است. جامعه آماری در پژوهش حاضر، مسکن معاصر شهر ارومیه، با قدمت تاریخی در چهار دهه اخیر، در نظر گرفته شده است.

پس از جمع‌آوری اطلاعات در گام سوم تحقیق، به ارزیابی معیارهای به دست آمده از مرحله اول در محدوده مورد مطالعه، به صورت پیمایشی و میدانی پرداخته شده است.

برای تحلیل داده‌ها و تعیین اولویت‌بندی الگوها و معیارها و مقایسه آن‌ها در نمونه‌های مورد مطالعه (جامعه نمونه)، از تکنیک تحلیل سلسه‌مراتب فازی (AHP) استفاده گردید. این روش نخستین بار توسط ساعتی در سال ۱۹۸۰ مطرح شد (Saaty, ۱۹۸۰). در فرآیند تحلیل سلسه‌مراتبی برای وزن‌دهی معیارها و گزینه‌ها از روش مقایسه زوجی استفاده می‌شود. به این ترتیب که تصمیم‌گیرنده، معیارها و زیرمعیارهای هر معیار را فقط به صورت دوجه دو مقایسه می‌کند و نیازی به وزن‌دهی هم‌زمان به تمام معیارها نیست. در این روش، وزن نسبی عناصر از طریق مقایسه زوجی هر سطح نسبت به عنصر مربوطه در سطح بالاتر تعیین می‌گردد. با محاسبه وزن عناصر هر سطح نسبت به سطح بالای خود از طریق مقایسه زوجی و در نهایت تلفیق وزن‌های نسبی، وزن نهایی هر گزینه محاسبه می‌شود (قدسی پور، ۱۳۷۹). همچنین در این پژوهش، سعی شده است به جای سیر از الگو به مفهوم، تأثیر و تجلی قواعد و اصول دست اول مستخرج از منابع قرآنی و نحوه استفاده و به کارگیری آن‌ها در مسکن معاصر مورد تأکید قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

دین اسلام، اصول و قواعدی دارد که برای افراد جامعه قرار داده شده‌اند تا زندگی مردم تسهیل شده و نظم یابد. این اصول قوانین استخراج شده از دین که منابع آن قرآن و احادیث و روایات هستند، شریعت نامیده می‌شود. این اصول و ارزش‌ها چهار مقیاس جامعه، همسایگی یا محله، خانواده و فرد را دربر می‌گیرند. ارتباط این چهار سطح در محیطی به‌نام شهر پیاده می‌شود. پیاده‌کردن این اصول در یک شهر، شهری اسلامی را نتیجه خواهد داد و در مقیاس خرد اگر بناهای ما (که یکی از اصلی‌ترین فضاها در میان یک شهر ساختمان‌های مسکونی‌اند) با اصول اسلام طراحی شوند می‌توان شهری اسلامی را ترسیم کرد. بنابراین اگر در حوزه مسکن حریم خصوصی ساکنین خانه رعایت شود، خانه بنا شده موجب آزار و اذیت دیگران نبوده، آرامش را برای افراد خانواده فراهم آورد؛ همچنین از تجمل‌گرایی و اسراف بیش از اندازه برای ساخت خانه پرهیز نمود. ادعا می‌توان کرد اصول کلی اسلام در این خانه‌ها رعایت شده‌اند. در دنیای معاصر آن، چنان‌که روش زندگی افراد تغییر کرده است، این اصول نیز بر طبق نیازهای روز، قابل تطبیق هستند به‌گونه‌ای که هم احکام اسلامی رعایت شوند و هم به نیازهای روز جامعه پاسخ داده شود. لازم به ذکر است این دسته از قوانین در هر اقلیم متفاوتی با اضافه‌شدن مناسبت‌های اقلیمی کامل‌تر خواهد شد. با تمامی مطالب مطرح‌شده یک مسکن اسلامی معاصر را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: مسکنی که به اصول اسلام در بُعد مسکن (حرمت، امنیت، آرامش، توازن و تعادل، فضا، تنوع) توجه کرده که با معماری اسلامی و فرهنگ ایرانی سازگاری داشته باشد. فضاهای آن به‌گونه‌ای باشد که افراد در آن احساس عدم استقلال و تجاوز به حریم نداشته باشند و با طبیعت در ارتباط باشند. هدف کلی این پژوهش شناخت و بررسی شاخص‌های اسلامی مسکن و تطبیق آن با معماری مسکن گذشته ایران بوده و در نهایت، بررسی میزان وجود معیارهای بدست آمده است. با مطالعات نمونه‌های مورد مطالعه، می‌توان به این نتیجه رسید که مسکن ایرانی گذشته ایران در مقایسه با مسکن امروز ما بسیار بیشتر با معیارهای مسکن اسلامی تطبیق داشته است و آموزه‌های قرآنی مطابق با پارامترهای معماری را باید در ابعاد مختلف در طراحی‌ها و اجرا در نظر داشت.

- در این پژوهش "اسلام" مرتبط با ریشه لغوی "سلم" به مفهوم دستیابی به سلامت تفسیر شده است.
- در حوزه معماری مسکن، دستیابی به مفهوم سلامت، شامل سلامت جسمی، روحی، روانی و معنوی می‌باشد.
- برداشت صحیح از مسکن مطلوب براساس نظام معرفتی اسلام، به مراتب وجودی مخاطب و کاربران آن وابسته است.
- فرآیند خلق مسکن مطلوب اسلامی، محدود به ارائه الگوهای شکلی و هندسی نیست.

اسلام به‌عنوان دینی برای تمام زمان‌ها از ارائه راهکارهای عملی و شکلی برای امور مادی و به‌صورت اخص "معماری" پرهیز کرده است. لذا هدف اصلی پرورش انسان‌های متعالی برای پیاده‌سازی امور مادی (معماری) براساس زمینه مفروض است.

امیری میجانی، آذر؛ اسلامی، اسماعیل و طبسی، حمید. (۱۴۰۰). «تطبیق مضامین اخلاقی و تربیتی در قرآن و شعر در دوران حاکمیت آل بویه و مغولان (اشعار شریف المرتضی و اوحدی مراغه‌ای». *مطالعات هنر/اسلامی*، ۱۸(۴۴)، ۹۷-۷۷.

بهزادی، کامران؛ امام قلی‌زاده، سعید و رضوی، حمیدرضا. (۱۴۰۰). «شناسایی مؤلفه‌های توسعه فرهنگی یکمطالعه کیفی پیرامون مراکز فرهنگی با رویکرد تجزیه و تحلیل سلسله‌مراتبی». *مطالعات هنر/اسلامی*، ۱۸(۴۴)، ۱۰۱-۹۱.

رستمی، عبدالکریم؛ الهامی، علی و خسروی، حسین. (۱۴۰۰). «نقش دبیران ایرانی در فرازمندی دیوانسالاری هنر و تمدن اسلامی عصر عباسی». *مطالعات هنر/اسلامی*، ۱۸(۴۴)، ۲۰۳-۱۹۱.

زندیه، عطیه. (۱۳۸۶). *دین و باور دینی در اندیشه ویتگنشتاین*، تهران: نشر نگاه معاصر.

زومتور، پیتر. (۱۳۹۴). *اتم‌سفر*. ترجمه: علی اکبری، تهران: پرهام نقش.

زومتور، پیتر. (۱۳۹۴). *رهیافت پدیدارشناسی در اندیشه‌ی پیتر زومتور*. ترجمه: مرتضی نیک‌فطرت و صدیقه میرگذار لنگرودی، تهران: علم معمار رویال.

سامه، رضا. (۱۳۹۲). *معماری و کیفیت زندگی انسان (تبیین مفهوم و کیفیت در معماری، مبتنی بر نظام معرفتی اسلام، رساله دکتری رشته معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشکده هنر و معماری*.

شار، آدم. (۱۳۹۴). *کلیه هایدگر*. ترجمه: ایرج قانونی، تهران: انتشارات ثالث.

شفیع‌زاده، اسدالله. (۱۳۹۱). «تحلیلی از عناصر و مؤلفه‌های معماری ایران در تأثیرپذیری از اندیشه اسلامی (قرون ۳ الی ۹ هـ-ق)» رساله دکتری رشته معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشکده هنر و معماری.

شمتوب، سوگل؛ صالحی، پوریا و ترکمان، احمد. (۱۳۹۴). «راه‌کارهای باز زنده‌سازی ارزش‌های معماری اسلامی ایرانی در دوره معاصر». *سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در علوم انسانی*، رم، ایتالیا.

شوای، فرانسوا، ۱۳۷۵، *شهرسازی: تخیلات و واقعیات*، ترجمه: سید محسن حبیبی، دانشگاه تهران.

شولتز، کریستیان نوربرگ. (۱۳۸۵). *معماری: حضور، زبان و مکان*، ترجمه: علیرضا سید احمدیان، تهران: انتشارات نیلوفر.

Corbin, H. (۱۹۶۹). "The form of God" Creative Imagination in the Sufism of Ibn Arabi, trans. Ralph Manheim, (princeton University perss). pp. ۲۷۲-۲۸۱, ۳۷۶-۳۹۰.

Dezurko, E.R. (۱۹۷۵), Origins Of Functional Is Theory, Columbia University Press.

Dorraj P., Farzaneh M., Salaji N. (۲۰۱۳). Concept, Giving Form to an Idea, Journal of Civil Engineering and Urbanism, ۲(۶): ۲۳۵ -۲۳۸.

Dubberly, H. (۲۰۰۴). How Do You Design? A Compendium of Models. San Francisco: Dubberly Design Office.

Eisner, J. (۱۹۹۶). The Dancing Column: On Order in Architecture, Architectural Research Quarterly, ۲(۱): ۹۲-۹۳.

Eliade, M. (۱۹۶۳). Patterns in Comparative Religion, Cleveland and New York. Ettinghausen, R. (۱۹۵۴). The Character of Islamic Art. In the Arab Herited by Nabin Amin farsi, ۲۵۷-۶۷, Princettion: princeron Univ. press.

Farzaneh, M. & Jamil, J. (۲۰۱۱). "Service Quality in Penang Hotels: A Gap Score Analysis" World Applied Sciences Journal ۱۲ (Special Issue of Tourism & Hospitality): ۱۹-۲۴.